

شرح دعای مناجات‌المریدین

در جست‌وجوی قرب الهی*

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح

چکیده

مؤمنان همواره در جست‌وجوی معارف بلند و برخوردار از نعمت‌های دنیوی و اخروی هستند و در مناجات با خدای خویش، در پی وصول به قرب الهی هستند. از این رو، به خدای متعال و اهل بیت علیهم‌السلام توسل می‌جویند. مؤمنانی که به مراتب عالی معرفت خدا دست یافته‌اند، قرب خدا را مطلوب ذاتی خویش می‌دانند. این مقصد از طریق سیر اختیار و از شیوه‌ها و راه‌های ممکن خاصی امکان حصول دارد. شیوه‌های ذوقی و سلیقه‌ای راه به جایی نمی‌برد.

کلیدواژه‌ها: قرب، قرب الهی، دعا، مناجات، مریدین، وصول به معبود.

ضرورت شرح و بررسی ادعیه و مناجات

پیشوایان معصوم علیهم السلام

ادعیه و مناجات پیشوایان ما دربرگیرنده معارف بلند، حکمت‌های بی نظیر و نکات عرفانی ناب است که معمولاً مورد غفلت قرار گرفته و کمتر بدان‌ها پرداخته شده است. عدم توجه به آن دُرهای یگانه، بی‌مثال و عدم غور در دریای بی‌انتهای معارف اهل‌بیت علیهم السلام در درجه اول، جفای به آن حضرات و سخنان نورانی آنان، و در درجه دوم، جفای به خود ماست که خود را از آن سرمایه‌های ماندگار و جاودانه محروم ساخته‌ایم. در خلأ حرمان از عرفان ناب اهل‌بیت علیهم السلام، شیادان فرصت‌طلب، با ترویج عرفان‌های دروغین، جوانان محروم از زمزم ناب معارف راستین توحیدی را فریب داده، مایع مسموم فراهم آمده از افکار پوچ و انحرافی خود را در کام ایشان می‌ریزند. از این‌رو، ما گرچه قادر به فهم حقیقت آن معارف ناب نیستیم، اما بایسته است که درباره آنها به گفت‌وگو پردازیم. از ارائه برداشت‌های هرچند ناقص خود از آن سخنان نورانی دریغ نورزیم، تا سهمی در انتقال معارف اهل‌بیت علیهم السلام به نسل‌های آینده داشته باشیم و بستر را برای استعداد‌های بالنده و دل‌های نورانی فراهم آوریم. تا آنچه را ما قادر به درک و فهم آن نبودیم، آنان در پرتو استعداد و ظرفیت خود و بخصوص با توفیق الهی به درک و فهمش نایل گردند و از این‌گذر، ثواب و پاداشی نصیب ما گردد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا یاری کند بنده‌ای را که سخن مرا بشنود و به خاطر سپارد و حفظ کند و به کسانی که نشنیده‌اند برساند، چه بسا حامل (رساننده) علمی که خود دانا نیست و چه بسا حامل علمی که به دانایان از خود رساند (یعنی چه بسا شنوندگانی پیدا شوند که معنای سخن را از رساننده و ناقل آن بهتر درک کنند).»^(۱)

گرچه قدرت استنباط و فقهت محدثان به پایه قدرت استنباط و فقهت بزرگانی همچون مرحوم شیخ انصاری،

نمی‌رسید، اما حفظ مآثر اهل‌بیت و انتقال آنها به سایر نسل‌ها، بستر را برای فقهای چون آن بزرگوار فراهم آورد تا با ژرف‌نگری در روایات و تفقه در آنها، به دستاوردهای عظیم فقهی دست یابند. در راستای چنین رسالت بزرگی، ما به بررسی مناجات‌های امام سجاد علیه السلام نشستیم.

اینک در پی آنیم که به بررسی مناجات‌المیردین، یعنی مناجات خداخواهان پردازیم. باشد که با این تلاش، بهره‌ای بیشتر از معارف ناب عرفانی آن امام همام برگیریم و در ارائه آن معارف به دیگران سهمی داشته باشیم. آن حضرت در فراز اول آن مناجات می‌فرماید: «سُبْحَانَكَ مَا أَضْيَقُ الطُّرُقَ عَلَيَّ مَنْ لَمْ تَكُنْ دَلِيلَهُ، وَمَا أَوْضَحَ الْحَقَّ عِنْدَ مَنْ هَدَيْتَهُ سَبِيلَهُ. إِلَهِي، فَاسْلُكْ بِنَا سُبُلَ الْوُصُولِ إِلَيْكَ، وَسَيِّرْنَا فِي أَقْرَبِ الطُّرُقِ لِلْوُقُودِ عَلَيْكَ، قَرِّبْ عَلَيْنَا الْبُعِيدَ، وَسَهِّلْ عَلَيْنَا الْعَسِيرَ الشَّدِيدَ؛ منزهی ای پروردگار، چقدر تنگ و دشوار است راه‌ها برای کسی که تو راهنمایش نباشی و چه روشن و هویداست حق برای کسی که تو راه را به او بنمایانی. خدایا، ما را در راه‌های نیل و وصول به خویش بدار، و در نزدیک‌ترین راه‌ها برای ورود به پیشگاهت رهسپار گردان. دور را برای ما نزدیک گردان و سخت و دشوار را برای ما آسان ساز.

نزدیک‌ترین راه وصول به معبود

از جملات آغازین مناجات، استفاده می‌شود که مناجات‌کننده در پی وصول به خداوند و تقرب به اوست و درصدد یافتن راهی است که او را به خداوند برساند و برای رسیدن به این مقصود، به دعا و درخواست از خداوند توسل می‌جوید و می‌گوید: خدایا، کسی که تو راه را به او نمایانی در مسیری تنگ، ناهموار و پرفراز و نشیب قرار گرفته و راه به جایی نمی‌برد و از مقصود باز می‌ماند. اما کسی که تو از بین راه‌های گوناگون

وصول به معبود را دارند. دوم اینکه راه‌های گوناگونی برای وصول به خداوند وجود دارد. انسان باید از خداوند بخواهد که نزدیک‌ترین و کم‌خطرترین راه را به او بنمایاند.

حرکت همه موجودات به سوی خدا

از آموزه‌های قرآنی و روایی به دست می‌آید که آنچه در این عالم است، در حال سیر و حرکت هستند. مقصد و غایت حرکت آنها خداوند می‌باشد. خداوند با تعبیر گوناگونی به این حقیقت اشاره دارد؛ از جمله می‌فرماید:

۱. «آگاه باشید که همه کارها به خدا باز می‌گردد.»

(شوری: ۵۳)

۲. «و نهان آسمان‌ها و زمین از آن خداست و تمام کارها به او بازگردانده می‌شود.» (هود: ۱۲۳)

۳. «همانا بازگشت [همه] به سوی پروردگار توست.» (علق: ۸)

خداوند متعال اشاره می‌فرماید به اینکه گنجینه‌های نامحدود هر آنچه در این عالم وجود دارد، در نزد خداست می‌فرماید: «و هیچ چیزی نیست، مگر آنکه گنجینه‌های آن نزد ماست، و آن را جز به اندازه معلوم فرو نمی‌فرستیم.» (حجر: ۲۱)

جمله «و ما منزله الا بقدر معلوم» مشعر به این است که خزینه‌ها و گنجینه‌های موجودات امکانی نامحدود است؛ زیرا خداوند و آنچه در نزد اوست، نامحدود می‌باشد.

خداوند اندازه و حد معین و محدودی از آن گنجینه‌ها را به این عالم، که توأم با محدودیت‌ها است فرو می‌فرستد. به عبارت دیگر، خاصیت این عالم که ما و سایر موجودات در آن به سر می‌بریم، وجود محدودیت‌هاست، در نتیجه، هر آنچه در آن وجود دارد، محدود و دارای حد و اندازه مشخص و معینی است. اما همه این موجودات محدود در نزد خدا، دارای گنجینه‌های نامحدود می‌باشند که خدای متعالی پدیده‌های این جهان را از آن گنجینه‌ها نازل می‌فرماید و مجدداً آنچه در این عالم نازل شده

نزدیک‌ترین و کم‌خطرترین راه را به او بنمایانی، در پرتو هدایت و راهنمایی تو راه روشن را می‌یابد و به مقصد می‌رسد. به روشنی حق را از باطل بازمی‌شناسد و فرازونشیب مسیر هدایت موجب نمی‌گردد که او دچار ابهام، شک و تردید گردد. البته در هر راه و مسیری سختی‌هایی وجود دارد و بخصوص اگر آن راه به هدفی عالی و نفیس بینجامد، سختی‌ها و دشواری‌هایش بیشتر است و رهسپار آن راه باید آن سختی‌ها را تحمل کند و با آگاهی و بینش لازم تلاش خود را مصروف رسیدن به هدف کند. انسان جاهل و فاقد آگاهی و معرفت نمی‌تواند مسیر تعالی و کمال را بیپیماید و به اعوجاج و انحراف از مسیر دچار می‌گردد. جهل، شبهه و تردید موجب می‌شود که به پیروی نابجا از رهنمان طریق سعادت پردازد و به دنبال هر صدا و فراخوانی حرکت کند. در نهایت، از سعادت و کمال بازماند: ﴿مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾ (نور: ۴۰)؛ و هرکه را خدای نوری نداده او را هیچ نوری نیست. بدتر از آن، کسی است که دچار جهل مرکب است و راه شقاوت را برگزیده و می‌پندارد که در مسیر سعادت گام برمی‌دارد. خداوند دربارهٔ چنین کسانی می‌فرماید: «بگو آیا شما را به زیان‌کارترین [مردم] در کردار آگاه کنیم؟ آنها ایند که کوشش آنان در زندگی این جهان گم و تباه شده و خود می‌پندارند که کار نیکو می‌کنند.» (کهف: ۱۰۳-۱۰۴)

روشن است که حیرت‌ها، گمراهی‌ها و کج‌روی‌ها، عقوبت و کیفر اعمال ناپسندی است که انسان آگاهانه انجام می‌دهد و خداوند به کسی ظلم نمی‌کند. این انسان است که به خود ظلم می‌کند و با رفتار ناپسند خود، زمینهٔ حرمان از سعادت خویش را فراهم می‌آورد.

از فراز اول مناجات که بدان پرداختیم، به دست می‌آید که هدف نهایی انسان، وصول به خداوند متعال است. انسان باید خواهان وصول به معبود باشد. مناجات مریدین ناظر به کسانی است که خداجو هستند و ارادهٔ

است، به سوی خداوند باز می‌گردد.

در آیه دیگر خداوند درباره تدبیر امور این عالم و بازگشت آن امور به سوی خویش می‌فرماید: «کار [جهان] را از آسمان تا زمین تدبیر می‌کند، سپس [آن کار] به سوی او بالا می‌رود در روزی که اندازه آن هزار سال است از آنچه شما می‌شمیرید.» (سجده: ۵)

به هر حال، همه آنچه در این عالم است، در قوسی نزولی، از سوی خداوند به سوی این دنیا فرستاده می‌شود. سپس در قوسی صعودی، به سوی خداوند و عالمی دیگر صعود می‌کند. بر اساس آیه‌ای که ذکر کردیم، هر روز آن به اندازه هزار سال دنیا امتداد دارد. بر اساس آیه دیگر^(۲) هر روز آن پنجاه هزار سال به طول می‌انجامد. انسان نیز به عنوان جزئی از اشیا و موجودات این عالم، دارای این دو سیر نزولی و صعودی است. آیات مربوط به حشر انسان و رجوع او به سوی خدا و ملاقات او با پروردگار عالم، ناظر به سیر صعودی انسان است. از این شمار آیات، خداوند درباره ملاقات عمومی بندگان با خویش می‌فرماید: «ای انسان، همانا تو به سوی پروردگارت سخت کوشنده و رونده‌ای، پس او را دیدار خواهی کرد.» (انشقاق: ۶)

خطاب در آیه متوجه همه انسان‌هاست. اختصاص به مؤمنان ندارد. در نتیجه، منظور از حرکت در این آیه حرکت تکوینی و ملاقات عمومی و رجوع همگان به سوی خداوند است. از این نظر، این ملاقات امتیاز و فخری برای کسی به حساب نمی‌آید. همان‌طور که همه موجودات و از جمله انسان جبراً و بدون اختیار به این عالم آمدند، بدون اختیار به سوی خداوند رجوع خواهند داشت و او را ملاقات خواهند کرد. اما انسان علاوه بر این حرکت تکوینی، دارای سیر و حرکت اختیاری نیز هست که موجب امتیاز انسان و جن بر سایر موجودات گردیده و اگر انسان از این سیر و حرکت اختیاری کمال استفاده را ببرد، مقام و رتبه‌اش از ملائکه نیز فراتر می‌رود. اگر در این حرکت راه صواب نجوید و سوءاستفاده کنید، به

پست‌ترین درجه انحطاط و حضيض سقوط می‌کند. این سیر اختیاری و تکاملی مخصوص مؤمنان و کسانی است که به خداوند ایمان و باور دارند، و کسانی که به خداوند ایمان ندارند، از این سیر اختیاری تکاملی بهره‌ای ندارند.

مفهوم غایت بودن خدا برای سیر اختیاری و تکاملی انسان

لازمه اینکه هدف و مقصد سیر اختیاری و تکاملی انسان خداست، این است که در آغاز، انسان از خدا دور است و با آن سیر فاصله‌اش را با خدا کم می‌کند. وقتی به نهایت سیر رسید، کاملاً به خداوند نزدیک می‌گردد. چنان‌که وقتی انسان از شهری به شهر دیگر مسافرت می‌کند، با حرکت و سفر به سوی آن شهر، از فاصله او با آن شهر کاسته می‌شود. در نهایت، وقتی به آن شهر رسیدن آن فاصله از بین می‌رود. مؤمنی که در تلاش برای رسیدن به خداست، باید رفتار و عبادتش رنگ خدایی داشته باشند و قصد تقرب داشته باشد. قصد تقرب به خداوند لازمه ایمان و دارای مطلوبیت ذاتی برای مؤمن است. هر کسی که به الله اعتقاد دارد، هرچند به لوازم این اعتقاد پایبند نباشد، در پی تقرب و رسیدن به خداوند می‌باشد. وی ممکن است راه نادرستی برای آن مقصود برگزیند و بیهوده بیندارد که آن راه او را به خداوند می‌رساند؛ چنان‌که بت پرست‌ها به خیال باطل خود می‌کوشیدند که از طریق تمسک و توسل به بت‌ها و پرستش آنها به خداوند نزدیک گردند و آنها را واسطه بین خود و خداوند می‌دانستند. خداوند در این باره می‌فرماید: «آگاه باشید که دین پاک مخصوص خداست. آنان که جز او دوستان و سرپرستانی دیگر برگزیدند، [گویند] ما آنها [بت‌ها] را نمی‌پرستیم مگر برای اینکه ما را به خدا نزدیک سازند؛ همانا خدا میان آنان [مشرکان و موحدان] درباره آنچه اختلاف دارند [شرک و توحید] داوری می‌کند. خدا کسی را که دروغ‌گو و کافر و ناسپاس است هدایت نمی‌کند [و به مقصد نمی‌رساند].» (زمر: ۳)

ترسیم مطلوبیت ذاتی و عرضی قرب الهی

همه مؤمنان خواهان قرب و وصول الی‌الله هستند. اما این قرب برای برخی دارای مطلوبیت ذاتی است و برخی آن را مطلوب بالغیر و به تعبیر دقیق‌تر مطلوب بالعرض می‌دانند؛ به این معنا که غرض آنان از تقرب به خداوند بهره‌مندگشتن از نعمت‌های بهشتی، رحمت الهی، حور و قصرهای بهشتی است که از لوازم و آثار تقرب به خداوند به حساب می‌آیند. این دسته چون می‌دانند که در سایه تقرب به خداوند به آن نعمت‌ها دست می‌یابند، در پی تقرب به خدا هستند. اگر بنا نبود که در پی تقرب به خدا به آن نعمت‌های جاودانه اخروی نایل گردند، به جست‌وجوی قرب الهی بر نمی‌آمدند. اما کسانی که تقرب به خداوند را مطلوب ذاتی خویش می‌دانند، اگر بهشتی نیز در کار نبود، باز در پی تقرب به خداوند می‌بودند. اگر خواست و رضای خداوند بر آن بود که گرفتار جهنم شوند و هزاران سال در آتش جهنم بسوزند، آنان بدان رضا می‌دهند و آن را بر آنچه خلاف خواست خداست ترجیح می‌دهند. از این‌رو، خداوند، در حدیث معراج، از قول روح سالک واصل به رضوان حق، نقل می‌کند که می‌گوید: «الَّهِی عَرَفْتَنِي نَفْسَكَ فَاسْتَعْنَيْتُ بِهَا عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَوْ كَانَ رِضَاكَ فِي أَنْ أُقَطَّعَ إِرْبًا إِرْبًا وَأُقْتَلَ سَبْعِينَ قَتْلَةً بِأَشَدِّ مَا يُقْتَلُ بِهِ النَّاسُ لَكَانَ رِضَاكَ أَحَبَّ إِلَيَّ»^(۳) خدایا، تو خود را به من شناساندی و در پی معرفت تو از همه آفریدگانت بی‌نیاز گشتم. به عزت و جلالت سوگند، اگر رضای تو در آن باشد که قطعه‌قطعه شوم و هفتاد بار به بدترین و سخت‌ترین وضعی که ممکن است کسی کشته شود، کشته شوم و رضای تو در آن باشد، رضای تو در نزد من از همه چیز بهتر و محبوب‌تر است.

برای تسهیل فهم مطلوبیت ذاتی و عرضی تقرب به خداوند و اینکه برخی تقرب به خداوند را برای رسیدن به نعمت‌ها و بهشت او می‌خواهند و برای برخی تقرب به

خداوند و جلب رضای او اصالت دارد و در این راستا نظری به بهشت و جهنم و نعمت‌های خدا ندارند، یادآور می‌شویم که آن دو نوع ارتباط و قرب در ارتباطات عاطفی انسانی نیز مشهود است: گاهی کسی برای رفع نیازهای خود و رفع کمبودهای خود به سراغ دوستش می‌رود. برای او بهره‌مند شدن از نعمت‌ها و غذاها و وامی که دوستش در اختیارش می‌گذارد، اصالت دارد. به گونه‌ای که اگر این امور محقق نمی‌گشت، انگیزه‌ای برای ملاقات با دوست خود نمی‌داشت. اما گاهی چنان ارتباط انسان با دوستش عمیق گشته که برای رفع دل‌تنگی به دیدار دوستش می‌رود. برای او اصل ملاقات و گفت‌وگو و خلوت با دوست اصالت دارد. برای او فرقی نمی‌کند که دوستش کمکی به او بکند یا نکند، از او پذیرایی به عمل آورد یا نیاورد. برای او پذیرایی و غذایی که در اختیارش قرار می‌گیرد، از آن‌رو خوشایند و لذت‌بخش است که از سوی دوست به وی رسیده. حتی اگر دوستش غذایی شور و یا تلخ در اختیار او قرار دهد، با ولع و اشتها می‌خورد و از آن لذت می‌برد. آن غذا را که از دوست به وی رسیده بر بهترین غذاها ترجیح می‌دهد.

کسی که سودای لقای الهی دارد و در تب‌وتاب دیدار محبوب به سر می‌برد و در جست‌وجوی رضا و خشنودی معبود است، حتی اگر رضای معبود را در سوختن در آتش جهنم بیابد با همه وجود بدان تن می‌دهد و حاضر است که هزاران بار در آتش جهنم بسوزد. البته خداوند هرگز دوستان خود را گرفتار جهنم نمی‌سازد، بلکه به بهترین وجه از آنها در بهشت پذیرایی می‌کند و نعمت‌های جاودانه و بی‌مانند بهشتی را در اختیارشان می‌نهد. غرض از آنچه گفته شد، بیان پایه معرفت دوستان خاص خداست که فقط به قرب خداوند و جلب رضایت او می‌اندیشند و نعمت‌های خدا را از آن‌رو دوست دارند که از معبود به آنها رسیده است.

جمع بندی مطالب

روشن شد که همه مؤمنان خواهان قرب به خدا هستند. اما برخی قرب خدا را به دلیل بهره‌مندی از لوازم آن و نعمت‌های الهی خواهانند. در واقع، قرب به خدا مطلوب عرضی آنان است. در مقابل، کسانی که به عالی‌ترین مراتب معرفت خدا دست یافته‌اند، قرب به خدا را مطلوب ذاتی خویش می‌دانند و بهره‌مندی از لوازم آن، مطلوب عرضی آنان است. این مرتبه عالی از تقرب به خدا، در دعاها و مناجات معصومان علیهم‌السلام و از جمله در این مناجات درخواست شده است. بر این اساس، در این مناجات سخنی از بهشت و جهنم به میان نیامده، بلکه حضرت در آخر مناجات، خداوند را نعمت و بهشت خود معرفی می‌کنند که حاکی از محو شدن در جمال الهی است. البته برای کسانی که در رده‌های پایین‌تر معرفت قرار دارند، طمع در بهشت و ترس از آتش جهنم بسیار کارساز است. انگیزه و عزم بر بندگی خدا و انجام تکالیف الهی را در آنان پدید می‌آورد و باید در برخورداری از این سطح از معرفت، خداوند را شاکر باشند و فقدان این سطح از معرفت، ناشی از ضعف ایمان و نفاق می‌باشد.

همچنین روشن شد که علاوه بر سیر تکوینی همه موجودات و از جمله انسان‌ها به سوی خداوند، انسان دارای سیر اختیاری به سوی خداوند نیز هست. این سیر موجب کمال و تعالی اوست. البته برخی با زحمت فراوان و تلاش گسترده به فهم معنای سیر الی‌الله و قرب به خداوند نایل می‌گردند. البته باید خداوند را به پاس رسیدن به چنین باوری شاکر باشند. اما کسانی که از فهم معنای قرب به خدا بازمانده‌اند، درصدد توجیه تعابیر حاکی از قرب الی‌الله در قرآن برآمده‌اند و گفته‌اند که در آن تعابیر مضاف و متعلق قرب محذوف است و برگردان قرب الی‌الله، قرب الی رحمة الله است و یا جمله ان الی ربک المنتهی (نجم: ۴۳) در اصل «ان الی رحمة ربک المنتهی» بوده است. از این رو، نمی‌توانستند تصور کنند که

چیزی غیر از رحمت و نعمت‌های اخروی برای انسان مطلوب باشد. ما باید خدا را شاکر باشیم که شناختی هرچند ناقص از قرب الی‌الله و مطلوب ذاتی بودن تقرب به خدا پیدا کرده‌ایم. معتقدیم که باور حقیقی آن مختص پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام و اصحاب و تربیت‌شدگان خاص مکتب آنان است.

نکته سومی که به تبیین آن پرداختیم این است که برای رسیدن به قرب الهی راه‌های خاصی وجود دارد. تنها از طریق پیمودن آن راه‌ها می‌توان به خدا رسید. چنان نیست که هرکس با ذوق و سلیقه خود راهی را برای وصول به خداوند اختراع کند. پس باید درصدد شناخت راه‌های وصول به خدا، و بخصوص نزدیک‌ترین راه قرب الی‌الله برآمد. رسیدن به این شناخت و باور به آن، توفیق و نعمت بزرگی است که خداوند در اختیار مؤمنان و دوستان خود می‌نهد. ممکن است کسانی با مطالعه قرآن و روایات راه‌های قرب به خدا و یا آثار و برکات عبادت خدا و اعمال خیر را بشناسند، اما به این باور نرسند که در این صورت عزمی و همتی برای عمل به مقتضای شناخت خود ندارند. آنچه عزم و همت بر اقدام و عمل به مقتضای شناخت آن حقایق را فراهم می‌آورد، باور آن حقایق است که انسان را به تکاپوی پیمودن مسیر قرب به خدا و عبادت خالصانه معبود و انجام اعمال خیر وامی‌دارد. اگر کسی باور کند که نماز اول وقت چقدر ثواب دارد، در رعایت آن کوتاهی و اهمال نمی‌کند و نمازش را به تأخیر نمی‌اندازد. اما وقتی به این باور نرسید، فرقی بین نماز اول وقت با نماز آخر وقت نمی‌گذارد. در نتیجه، از فضیلت و ثواب نماز اول وقت محروم می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۰۳، ح ۱.
- ۲- معارج: ۴.
- ۳- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۷، ب ۲، ص ۲۷، ح ۶.